

## شهید حسن بردستانی



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۱۱/۱۱
محل تولد	بوشهر - دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۰۴/۱۹
محل شهادت	فاو
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	جهادگر
شغل	کارمند جهاد
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	خور موج

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید حسن بردستانی فرزند علی به سال ۱۳۴۲ در یک خانواده فقیر و تهی دست، اما معتقد و متدین در خورموج چشم به جهان گشود. تا سال سوم راهنمایی تحصیل نمود، ولی به علت فقر خانواده و نیاز به کمک به معاش خانواده به کار پرداخت و چند سال با کوشش و تلاش صمیمانه در جهاد سازندگی خدمت کرد. شهید با توجه به علاقمندی به خدمت در جهاد سازندگی پس از دوره آموزشی جهاد در کربلای آموزشی ۴ حضور فعال پیدا کرد و در آخرین مأموریت خود در ستاد پشتیبانی جهاد سازندگی شهرستان دشتی در تاریخ ۳/۲/۶۶ به جبهه اعزام و در مورخه ۱۶/۴/۶۶ در شهر فاو عراق بر اثر اصابت تیر مستقیم دشمن به فیض شهادت نایل گردید.

شهید قبل از شهادت در عملیات کربلای ۴ و چند عملیات دیگر نیز شرکت کرده بود.

## مصاحبه

در محضر برادر شهید:

– چگونگی و میزان ارتباط خود را با شهید ذکر کنید.

ارتباط من با شهید خوب و صمیمی بود و با اینکه چند سالی از ایشان بزرگتر بودم، اما همیشه با من در کارها، هنجاری می‌کرد. گویا از اول می‌دانست به فیض شهادت می‌رسد. همیشه در یک حالت تفکر و اندیشه بسر می‌برد

– از خاطرات اعزام بگوئید:

شهید چندین بار به جبهه اعزام شد، بار اول متوجه نشدیم او به جبهه رفته تا اینکه با نامه به ما اطلاع داد.

– چگونه از شهادت شهید مطلع شدید؟

گویا به ما الهام شده بود، زیرا پدر و مادرم جزیان شهادت شهید را خواب دیده بودند. و وقتی خبر شهادت شهید حسن را به ما دادند، پدر و مادر و ما کاملاً آمادگی داشتیم.

– شهادت شهید چه تأثیری در زندگی شما داشت؟

شهادت شهید باعث شد تا ما به واقعیت زندگی بیشتر پی ببریم و از حیات و ممات خود در برابر حق تعالی غافل نباشیم، و در برابر خون شهید بسیار احساس مسئولیت کنیم.

– به عنوان برادر شهید چه پیامی دارید؟

من خود را کوچکتر از آن می‌دانم که به مردم شهید پرور و حق شناس ایران پیام دهم، اما از همه خانواده شهدا باید تشکر کرد، که چنین فرزندان رشیدی را در بستر خانواده نورانی خود پرورش دادند، ولی ما باید خیلی هوشیار باشیم زیرا دشمنان دین و مملکت در کمین هستند و نگذاریم خون شهیدان پایمال شود.

خاطراتی از شهید: (نقل از مادر شهید)

شهید درست چند ماهی قبل از شهادتش یک روز به عکاسی رفت و عکسی گرفت و خودش آن را قاب کرد.

روزی ایشان در منزل نبودند، چند نفر از بستگان مهمان ما بودند، و دختری نیز در میان آنها بود، عکس را که در پارچه‌ای سفید پیچیده بود، آوردم و به آنها به خصوص دختر خانم نشان دادم، در همین موقع فرزند شهیدم حسن وارد شد، تا اینکه دید عکس را به آنها بهخصوص دخترشان، نشان دادم خیلی ناراحت شد و گفت: مادر جان تو امانتدار خوبی نبودی چرا عکس مرا به اینها نشان دادی؟ من این عکس را برای موقعی مناسب گرفته‌ام ولی حالا وقتش نبود. من از گفته‌های ایشان ناراحت شدم. آری او خودش از عاقبت دیدارش با معشوق واقعی می‌دانست، ولی ما در خواب غفلت بسر می‌بردیم. شهید همیشه برای ما الگو بود و هم اکنون نیز افتخار سربلندی ما از برکت خون و ایثار و فداکاری ایشان به وجود آمده که مادران و خانواده شهید همیشه باید قدر دان خون شهیدان و ادامه دهنده راه آنها باشند.

شهید در گفتگو با خواهران شهید:

لیلا بردستانی (خواهر شهید)

او همیشه عاشق جبهه بود، یک روز ساکش را برداشت و در حالیکه همه در خواب بودند به جبهه رفت. او می گفت: انصاف نیست که جوانان شهید شوند و ما اینجا در حال استراحت باشیم. هر وقت شهیدی می آوردند، او خیلی ناراحت می شد. می گفت: حتماً باید من هم انجام وظیفه کنم تا شهید شوم. او همیشه در نامه هایش ما را به رعایت حجاب دعوت می کرد.

خواهر دیگر شهید:

هر وقت مشکلی برای شهید پیش می آمد، مرا در جریان می گذاشت و با من مشورت می کرد. می گفت: خواهر هر وقت در اینجا هستم دل درد می گیرم ولی وقتی در جبهه هستم سالم خوب است. چند مرتبه به جبهه اعزام شد. و هر وقت بدرقه اش می رفتیم بسیار گریه می کردم، یکبار که از طریق جهاد می خواست اعزام شود بدرقه اش رفتیم، شهید گفت: خواهر راضی شوید تا به جبهه بروم و من هم حرفی نزدم. و او سه ماه در جبهه بود و پس از سه ماه برگشت. و چند روز در کنار ما بود، و گفت: این بار که رفتیم شش ماه می مانم. این مرتبه بود که خبر شهادتش را آوردند.

## خاطرات

با ویژگی‌های برجسته شهید:

ایمان و اعتقاد قلبی به فرائض دینی و معتقدات مذهبی و حسن انجام واجبات از مهمترین ویژگی‌های شهید بود. تواضع و خوشروئی و صله رحم از خصوصیات برجسته شهید بود. شهید با تمام خدمات و مشکلات در جبهه با ارسال نامه به بستگان و اعضا خانواده نسبت به آنها ادای احترام می‌کرد. همیشه یار و همدم مسجد بود و به نماز اول وقت اهمیت می‌داد



سامانہ جامع سرداران و دوہزار ششمیہ استان بوٹھر